

بیشترین شیوع کووید-۱۹ در منطقه ۴

۱۴ تا ۲۰ درصد تهرانی‌ها مبتلا به کرونا شده‌اند

[شهروند] آخرین بررسی‌های انجام شده حکایت از ابتلای ۱۴ تا ۲۰ درصد از ساکنان شهر تهران به کووید-۱۹ دارد. بالاترین میزان مرگ‌ومیر در تهران هم مربوط به مناطق، ۴، ۱۴، ۲ و ۵ است. اینها را فرمانده ستاد مقابله با کرونا در تهران می‌گوید.

به گفته علیرضا زالی، منطقه ۴ شهرداری ۹۰۰ هزار نفر جمعیت دارد که یکی از پرجمعیت‌ترین منطقه‌های شهری و جغرافیایی تهران به شمار می‌رود و به همین دلیل ساکنان این منطقه بیشترین میزان ابتلا و مرگ‌ومیر ناشی از ابتلا به این بیماری را دارند. منطقه ۲ هم با جمعیت ۸۰۰هزار نفری در رتبه دوم از نظر میزان ابتلا به کرونا قرار دارد، مناطق ۱۴ و ۵ هم در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند.

براساس نتیجه این بررسی ساکنان مناطق ۲۱ و ۲۲ شهرداری تهران کمترین میزان ابتلا به این بیماری را داشتند. این تحقیق در شرایطی انجام می‌شود که براساس آخرین گزارش وزارت بهداشت از میزان شیوع بیماری در کشور تاکنون ۲۱۷هزار و ۷۲۴ نفر به کووید-۱۹ مبتلا شده و ۱۰هزار و ۲۳۹ بیمار هم جان‌شان را از دست داده‌اند.

براساس آنچه روز گذشته سخنگوی وزارت بهداشت اعلام کرده است، استان‌های خوزستان، هرمزگان، آذربایجان غربی و بوشهر، کردستان و کرمانشاه در وضع قرمز به سر می‌برند، همچنین استان‌های آذربایجان شرقی، خراسان رضوی و البرز با افزایش موارد بستری مواجه بوده‌اند. فرمانده ستاد مقابله با کرونای شهر تهران هم از افزایش آمار بستری در تهران خبر می‌دهد. به گفته او روز گذشته ۲۸۵ بیمار در بخش‌های عادی و ۹۳ بیمار در بخش‌های ویژه بستری شده‌اند، در حالی که روز قبلیش آمار بستری‌ها کمتر بود.

براساس اعلام زالی موارد ترخیص شده از بیمارستان‌های تهران هم تفاوت قابل توجهی

یادداشت

روزنامه‌نگاری و چالش‌های پیش‌رو



عباس عبیدی
*** روزنامه‌نگار

روزنامه شهروند دو هزارمین شماره خود را نیز منتشر کرد و موجب خوشحالی جامعه مطبوعاتی و همکاران و علاقه‌مندان به «شهروند» شد. باید این ویژگی و عدد نمادین را به همه دست‌اندرکاران فعلی و گذشته آن تبریک گفت و برای آنها در رسیدن به موفقیت‌های بیشتر اظهار امیدواری کرد. روزنامه‌ای که به تأمین حرفه‌ای یکی از مهم‌ترین نیازهای جامعه امروز که همان کمک و امداد در عصر جدید است، مربوط می‌شود. نیازی که برخلاف گذشته تأمین آن تبدیل به یک صنعت و تجهیزات و دانش و یک سازمان و مدیریتی پیشرفته شده است که وظیفه تأمین یکی از نیازهای مهم بشری را دارد. هنگامی که به یک فرد گمشده در جنگل و کوه یا پرت شده از بلندی یا گیرکرده زیر آوار زلزله یا ... کمک می‌کنیم، بیش از هر چیز داریم خودمان و انسانیت خود را ارج می‌نهیم و هنگامی که انجام این وظیفه داوطلبانه است، به معنای ترویج و تبلیغ نوعی از همدستی عالی میان آحاد جامعه است. انجام و انعکاس درست این اقدامات از خلال رسانه نیز جزء مهمی از این رسالت است.

به همین مناسبت این یادداشت را معطوف به مسأله فوری و فوری مطبوعات ایران که همان جنگ برای بقای آن است می‌نویسم. وضع مطبوعات ایران به مثابه کسی است که زیر آوار زلزله قرار دارد یا روی یک پشت بام که سیل اطراف آن را گرفته و هر آن ممکن است باعث تخریب ساختمان و فوت پناه‌گیرنده شود. این وضع اورژانسی و نیازمند امدادونجات فعالان هلال احمر است. آیا نجات این نهاد نیازمند به امدادونجات ممکن است؟ تا کی می‌توان زیر آوار ماند و با زحمت نفس کشید و خفه نشد؟ تا کی پشت این بام باید بود و بدون آب و غذا و ... مقاومت کرد؟ آیا حس ناامیدی بر ما غلبه خواهد کرد؟ به تعبیر دیگر آیا از ناامیدی تلف نخواهیم شد پیش از آنکه از بی‌تنفسی خفه شویم؟

اگر بخواهیم تحلیلی از تفاوت میان ویژگی‌های کشورهای توسعه‌یافته و باثبات با دیگران ارایه کنیم، به‌ناچار باید به برخی از ویژگی‌های پایدار آنها اشاره کرد؛ ازجمله باید به ثبات و پایداری نسبی مطبوعات آنها اشاره کرد. اگر ما با رسیدن به دو هزارمین شماره خوشحال می‌شویم، آن جوامع رسیدن به شماره چند ده‌هزار برایشان امری جاافتاده و عادی است. ثبات و پایداری نشانه‌ای از حفظ حقوق رسانه‌ای و نیز کارکرد موثر مطبوعات است. مطبوعات ایران در شرایط کنونی در وضعیت احتضار به سر می‌برند. شاید برخی از افراد از این وضعیت استقبال کنند و از اینکه از شرّ این موجود مزاحم خلاص می‌شوند، خوشحال شوند! به‌طور قطع تعدادی از آنان که در پی فساد و نظارت‌نداشتن عمومی هستند در ابراز چنین رفتاری محق هستند! ولی اگر کسانی پیدا شوند که صادقانه گمان کنند روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران مانع ثبات و آرامش و پیشرفت جامعه هستند، باید گفت که در اشتباه محض قرار دارند. جامعه بدون رسانه و مطبوعات آزاد بهترین محل برای کشت و پرورش بدترین موجودات و فسادها و بی‌قانونی‌هاست؛

واقعیتی که تاکنون بارها تجربه کرده‌ایم.

مطبوعات و رسانه‌ها در ایران از ابتدای شکل‌گیری تحت فشار و نظارت غیرمعمول و سانسور قرار گرفت. فراروفرودهایش را در جریانات ۱۵۰ سال گذشته می‌توانیم مشاهده کنیم. ولی این نهاد مهم پس از سال ۱۳۷۹ سرایشی به‌ظاهر بازگشت‌ناپذیری قرار گرفته است. مطبوعات ایران که تا سال ۱۳۷۹ به اوج خود رسیدند با شوک بهار ۱۳۷۹ دچار رکود شدند، ولی این امر به تنهایی بقای بلندمدت این نهاد را تهدید نمی‌کرد. چند اتفاق دیگری رخ که داد امکان نفس‌کشیدن را برای رسانه‌های مستقل سخت‌تر کرد.

نخستین رویداد ورود فضای مجازی و اینترنت بود. این اتفاق موجب شد که محدودیت در امر رسانه‌ای مطبوعاتی را از طریق فضای مجازی و وبلاگی و سایت‌ها جبران کنند. درواقع اصل توسعه فضای مجازی مشکلی نبود که خیلی هم خوب بود. آنچه که مشکل‌آفرین شد، کوچ‌کردن انجام حرفه روزنامه‌نگاری به فضای مجازی بود که فاقد استانداردهای مورد قبول این حرفه بود. در نتیجه طی دو دهه گذشته با فضایی مواجه شده‌ایم که نیازهای رسانه‌ای جامعه را بدون استانداردهای لازم تأمین می‌کند. آنان که دشمن مطبوعات بودند، اکنون باید شاهد رویش آنچه‌که کشت کردند باشند. این امر موجب شکل‌گیری فرآیندی تشدیدکننده شد؛ به این معنا که با تأمین نیازهای رسانه‌ای و خبری مردم از فضای مجازی، اقبال به روزنامه‌ها کمتر شد و مطبوعاتی که فاقد توان رقابت با فضای مجازی بودند، هر روز ضعیف‌تر شدند و توان اقتصادی آنان نیز کمتر شد.

اثبات این ادعا خیلی ساده است نمونه‌ای تقدیم می‌کنم. شخصاً در سال ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ با حضور نیمه‌وقت در روزنامه حدود ۵۰۰ تومان حقوق ماهانه می‌گرفتم که به قیمت امروز و مطابق شاخص رسمی قیمت‌ها حدود ۳۰ برابر باید شود؛ یعنی ۱۵ میلیون تومان. روشن است که چنین دستمزدی در هیچ روزنامه‌ای برای آن حد از کار پرداخت نمی‌شود؛ یک‌سوم آن نیز به سختی پرداخت می‌شود.

با تضعیف اقتصاد کشور وضع آگهی‌ها نیز سیر نزولی پیدا کرد و آنهایی هم که مانند بنده فضای مجازی داده شدند. روزنامه همشهری که زمانی درآمدهای کلانی داشت، اکنون باید با فروش اموال به حیات خود ادامه دهد. تیراژ روزنامه‌ها به طرز وحشتناکی کاهش یافته است؛ به طوری که هیچ مدیری حاضر نمی‌شود تیراژ خود را منتشر کند. مهم‌تر از تیراژ کاهش اثرگذاری و در عین حال افزایش محدودیت‌ها بود.

اتفاق دوم ورود گسترده رسانه‌های عمومی وابسته به منابع عمومی به عرصه رسانه بود. انواع و اقسام نهادها درست یا نادرست کوشیدند که وارد این میدان شوند. برخی از آنها به‌نسبت تخصصی بودند که چندان جای نگرانی نبود ولی رسانه‌های عمومی و خبرگزاری‌ها و سایت‌هایی که با بودجه‌های شفاف و غیرشفاف از منابع عمومی جانشین مطبوعات شدند، به کلی کارکرد مطبوعات و رسانه‌های آزاد را مختل کردند. علت چنین ورودی دقیقاً با همین هدف بود که جزئیات آن نیازمند نوشته دیگری است.

پس افتادگی مطبوعات از فضای جدید رسانه‌ای و حضورنداشتن آنها در فضای مجازی و ضعف‌های قانونی برای

حمایت از کپی‌رایت یا حق‌التألیف موجب تضعیف اثرگذاری و توان اقتصادی مطبوعات شد.

همزمان اتفاق سومی رخ داد که روزنامه‌نگاران را تضعیف کرد و آن توقف فعالیت‌های انجمن صنفی بود. اتفاقی که از سال ۱۳۸۴ به‌نوی آغاز شد و در سال ۱۳۸۸ به سرانجام رسید و حدود ۸ سال طول کشید تا انجمنی دیگر در جغرافیایی محدودتر شکل گیرد ولی در این فاصله شکاف موثری میان نسل‌های قبلی و بعدی روزنامه‌نگاران به وجود آمده بود که هنوز هم رفع نشده است. بی‌ربغتی در مشارکت صنفی که احیاناً از ناامیدی نیز است و رواج بدبینی و خودزنی محصول این وضعیت است. این شرایط بود تا آنکه بلای کرونا نازل شد. کالای مطبوعات

کاغذی که سهم بسیار کمی در سبد هزینه‌های خانوار داشت، به یک‌باره از این سبد ناپدید شد. مشکلات اقتصادی دولت نیز از حمایت‌های آن کاست و وضعیت اقتصادی بد شرکت‌ها دریافت آگهی‌ها را دچار مشکلی مضاعف کرد. بنابراین مطبوعات پیش از کرونا در دو عرصه میدان رقابت را واگذار کرده بودند: در زمینه آگهی‌ها در برابر سایت‌هایی مثل دیوار و در رسانه دیجیتال که هیچ روزنامه دیجیتالی نتوانسته بود در این میدان عرض اندام کند؛ به همین علت با شیوع کرونا بیش از پیش تنها و حاشیه‌ای شدند. مطبوعات خصوصی توان رقابت با مطبوعات عمومی و دولتی را نیز از حیث اقتصادی و امنیت حرفه‌ای نداشتند. مطبوعات دولتی و متکی به منابع عمومی از چارچوب هزینه وفایده‌تبعیت نمی‌کنند و از بودجه‌های عمومی ثابت بهره‌مند هستند؛ ولی مطبوعات خصوصی باید هزینه و فایده کنند. به همین علت دو روزنامه اعتماد و شرق در فاصله کوتاهی اقدام به تعدیل نیرو کردند که به لحاظ دخل و خرج قابل فهم است ولی از یک زاویه دیگر مورد نقد روزنامه‌نگاران است. اینکه ارزیابی مالی یک روزنامه را فقط در یک مدت کوتاه انجام نمی‌دهند. روزنامه‌ای که حدود دو دهه سود کرده و سودهای خوبی هم داشته، طبعاً می‌تواند از ذخیره سود خود برای مدتی نیز مصرف کند تا اینکه مشکل برطرف شود و اگر نشد، آن گاه اقدام به تعدیل کند. این شرایط بد را باید موقتی فرض کرد نه دائم. بنابراین انتظار می‌رفت که مدیران مسئول از این نظر خویشتنداری کنند. فراموش نکنیم که روزنامه‌ها مثل یک خانواده هستند. روزنامه‌نگاران به‌ویژه افراد قدیمی آنها نسبت به روزنامه خود نوعی حس مالکیت معنوی دارند.

در هر حال آنچه می‌توان گفت این است که وضعیت مطبوعات ایران چه در بخش کاغذی و چه در حوزه دیجیتال مطلوب نیست و این به زبان کشور است. شاید مسئولان امر یا دغدغه این مسأله را به اندازه کافی نداشته باشند یا امکانات و مقدرات آنان چندان محلی برای اقدام باقی نگذارند؛ ولی دورکن دیگر یعنی روزنامه‌نگاران و مدیران مسئول هستند که هر کدام باید در قالب اولویت‌های خود متحد شوند ولی خرج‌کردن از روزنامه‌نگاران می‌تواند موجب سرافکندگی بدی برای مدیران مسئول شود و شکافی را میان آنان ایجاد کند که هیچ‌گاه یا به این زودی‌ها ترمیم نشود. روزنامه‌نگاران نیز بدون هویت جمعی و اتحاد هیچ کاری نمی‌توانند انجام دهند. گام اول اتحاد در هر سطحی است؛ به جای اتهام‌زنی بی‌پایه و پرهیز از مشارکت باید با مشارکت حداکثری خود جایگاه روزنامه‌نگاری را ارتقا دهیم. □



خبرگزاری مهر □

نداشته است. در این شرایط فرمانده ستاد مقابله با کرونا در شهر تهران برای کنترل و پیشگیری از شیوع کووید-۱۹ اعلام می‌کند که گروه‌های شانزده‌گانه پرخطر مثل افراد بالای ۶۵سال و مبتلایان به بیماری‌های مزمن توسط مسئولان اداره‌ها و بخش‌های دولتی و خصوصی باید در فاز دورکاری قرار داده شوند.

همچنین افرادی که به بیماری کرونا مبتلا شده‌اند یا براساس نظر پزشک دارای نشانه‌های مشکوک‌اند، باید در منزل بمانند و تا دو هفته پس از زمان شروع علائم از حضور در محل کار خودداری کنند. به گفته او کارشناسان بهداشت محیط و بهداشت حرفه‌ای دانشگاه‌های علوم پزشکی مستقر در تهران قرار است بر نحوه اجرای پروتکل‌های بهداشتی از سوی اصناف و مشاغل نظارت داشته باشند، این تیم‌ها در قالب گشت‌های مشترک متشکل از کارشناسان حوزه‌های بهداشتی، تعزیرات، نیروی انتظامی و نمایندگان اصناف فعالیت خواهند کرد. □

میز خبر

۸۰ روستای غیزانیه هنوز آب ندارند

[شهروند] با وجود وعده‌ها برای آبرسانی به غیزانیه، اهالی بخشی از ۸۰ روستای این منطقه همچنان با بی‌آبی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. ساکنان این بخش در خوزستان، چندی پیش به نبود آب اعتراض کرده بودند و از همان وقت پروژه‌های آبرسانی سرعت گرفته است. هرچند با آغاز پروژه‌های آبرسانی مشکلات آبی ۳۰ روستا تا حدودی کم شده اما هنوز تعداد زیادی از روستاهای این بخش از بی‌آبی رنج می‌برند و همچنان نمی‌توان از «آب پایدار» صحبت کرد.

به گزارش ایلنا، جعفر مجدمی، عضو شورای بخش غیزانیه با اشاره به افتتاح فاز اول پروژه آبرسانی به این بخش، گفت: «آب به سمت روستاها پمپاژ می‌شود ولی خطوط سالمی وجود ندارد که آب را کامل انتقال دهد. فاز دوم هم در حال اجراست و اگر به همین صورت ادامه پیدا کند، در ۰ روز آینده شاهد افتتاح آن خواهیم بود. آن موقع شاید بتوان از آب پایدار صحبت کرد.» به گفته او، به‌طور مثال در روستای نژه به دلیل جمعیت سه‌هزار و ۵۰۰ نفری، برای پمپاژ در تأسیسات نژه مجبور به نوبت‌بندی هستند تا آب به روستاییان برسد. از سوی دیگر بیش از همه، روستاهایی با مشکل مواجه‌اند که آب مورد نیازشان را از رامهرمز می‌گیرند: «بالغ بر ۳۳ روستا در شرق غیزانیه حدود ۱۵ روز آب ندارند و نیازمند اجرای فاز سوم پروژه آبرسانی‌اند. فاز دوم، آب را به ایستگاه نژه می‌رساند و از این ایستگاه باید یک خط ۲۰کیلومتری به دهلائی‌ه کشیده شود و برای ۳۳ روستا توزیع شود که پروژه و اعتبار آن هنوز مشخص نیست. □

معاون رییس‌جمهوری در امور زنان و خانواده:

می‌شد جلوی خودکشی

زوج عاشق را گرفت

[شهروند] معاون رئیس‌جمهوری در امور زنان و خانواده به ماجرای خودکشی دختر و پسر جوان به‌دلیل مخالفت خانواده‌ها با ازدواج‌شان واکنش نشان داد. این دو نفر که ۱۸ و ۲۲ ساله بودند و اهل روستایی از توابع شهرستان اندیکا(خوزستان، به‌دلیل مخالفت خانواده‌ها با ازدواج‌شان، به همراه یکدیگر دست به خودکشی زدند؛ آن هم با انداختن خودشان در رودخانه کارون. معصومه ابتکار دیروز در واکنش به این‌موضوع در حساب توئیتری‌اش نوشت: (می‌شد از خودکشی زینب و بهزاد جلوگیری کرد. چرا اختلاف میان دو خانواده بر سر ازدواج دو جوان باید به چنین فاجعه ای منتهی شود؟ درحالی‌که امکان استفاده از ابزارهای مفیدمانند خط ۱۴۸۰ و خط ۱۲۳، باتلاش بخش‌های دولتی وجود دارد و می‌تواند از حادثه پیشگیری کند.» □

افزایش غلظت «آزن» در هوای پایتخت

[شهروند] با افزایش آزن در هوای پایتخت، صبح دیروز کیفیت هوا در برخی مناطق در محدوده ناسالم برای گروه‌های حساس قرار گرفت. این اتفاق در روزهای آغازین تابستان درحالی است که ۶ روز از بهار هم به‌دلیل افزایش غلظت آلپندِه آزن در شرایط ناسالم برای گروه‌های حساس و در آستانه ناسالم برای همه افراد قرار گرفت. در بهار ۱۵روز در شرایط پاک، ۷۲ روز در شرایط قابل قبول و ۶ روز ناسالم برای گروه‌های حساس بود. روز گذشته نیز ۱۰ ایستگاه سنجش در سطح استان، شرایط را ناسالم برای گروه‌های حساس نشان می‌داد. براساس پیش‌بینی شرکت کنترل کیفیت‌هوای تهران صبح شنبه، هفتم تیر با تداوم این شرایط جوی و افزایش تردد خودروها، غلظت آلایندِه‌ها به‌ویژه «ذرات معلق» در مناطق پرتردد افزایش پیدا می‌کند و کاهش کیفیت هوا در بیشتر مناطق پایتخت پیش‌بینی می‌شود. □

۴۰هزار کلاس درس نیمه‌تمام

[شهروند] رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور از وجود ۴۰هزار کلاس درس نیمه‌تمام در کشور خبر داد و گفت: «۴۰هزار و ۸۰۰میلیارد تومان اعتبار در حوزه مدرسه‌سازی مصوب شده و با مشارکت خیران، به بیش از ۶۰۰میلیارد تومان هم می‌رسد.» به گفته مهراله رخشانی مهر، از ۴۰هزار کلاس درس نیمه‌تمام، ۱۴هزار مدرسه از سوی خیران مدرسه‌ساز در حال ساخت است و پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال، این تعداد مدرسه تمام‌شود. □